

اصول اعتقاد

جلسه اول

تعریف نظام

از دید لغوی تقم بودن واره انگلیسی آن System می باشد

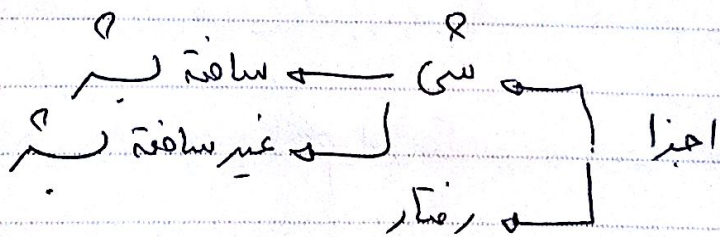
هر مجموعه دلاری تقم و هماهنگی که اجزا برای رسیدن به هدف با هم هماهنگ باشند را میگویند.

نظام مجموعه ای است که اجزای آن لذت و برتری هماهنگی و هدف مندی

برخوردار است.

این اجزا یا سی هستند یا رفتار والدینی یا سازه یا ساقته

دست به هسته و یا خیر.



به همین دلیل ، نفع نظام وجود دارد . نظام طبیعی

نظام مصنوعی

نظام رفتاری

نظام طبیعی و مصنوعی تقابلی است که اجزای آن را می‌توانیم مقایسه کنیم

و این اجزا سافته دست به باشند، آن نظام را نظام مصنوعی گویند

و اگر این اجزا (ایمان) توسط انسان سافته شده باشد، آن نظام

را نظام طبیعی گویند

و اگر اجزای یک نظام شامل «رفتار» باشد، آن نظام را نظام رفتاری گویند

نظام مصنوعی شامل همه ایمانی سافته شده دست به

سؤال

می‌باشد که معروفترین مثال برای نظام مصنوعی ساعت

است.

ساعت شامل مجموعه‌ای است که هدفی را دنبال می‌کند و اجزا برای رسیدن

به آن هدف باهم هماهنگ هستند و باهم این هماهنگی به هدف خود که

نشان دادن زمان است می‌رسند

→ موبایل، خودکار، کامپیوتر، ساعت، دفتر

سؤال دیگر

مثال نظام طبیعی

مانند نظام بدن یک مورچه و یا سایر موجودات جهان هستی

در کل می توان کل نظام هستی را یک نظام طبیعی دانست .

حال اگر اجزاء ، رفتارها ، بازمانده - نظام رفتاری گویند . اجزای این نظام

رفتارهای ارادی انسان است . رفتارهای غریزی موجودات

در دایره نظام رفتاری قدرتی سرد .

تعریف نظام رفتاری

مجموعه ای از رفتارهای ارادی انسان برای رسیدن به اهداف معینی

بر اساس یکی مبانی فلسفی و منطقی ، چهارچوب اول ، رفتارها مشخص

و سازماندهی شده است

که تعریف

مجموعه ای از رفتارهای ارادی انسان است که بر اساس مبانی فلسفی

معین در راه رسیدن به اهداف مشخصی هماهنگی دلبرند

کل نظام هایی که انسان تعریف کرده و ابعادی شوند

مثال نظام رفتاری

مانند نظام های اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی که در مواقع

مختلف ابعادی شوند .

تعریف نظام اقتصادی

سیستم نظام اقتصادی نوعی نظام رفتاری است که رفتارهای افرادی انسان

در مورد اعتماد را بر اساس مبانی فلسفی مشخص برای رسیدن
(معین)

به اهداف معین، سازماندهی می کند.

در همه تعاریف به اجزاء، هماهنگی بین اجزاء و هدف مندی ارتباط

بین این اجزاء، اشاره شده است.

واقعیت، تعریف نظام اقتصادی، همان تعریف نظام رفتاری است

که به خصوص برای رفتارهای افرادی انسان در مورد اعتماد، تعریف شده است.

در نظام اقتصادی رفتارهای افرادی انسان را در نظام اقتصادی در تعریف می کند.

انواع نظام اقتصادی

① نظام اقتصادی سرمایه داری - مسئله برداری

② نظام اقتصادی سوسیالیستی - به معنای لیبرال و سوسیالیست مورد

③ نظام اقتصادی اسلامی - با فروع و اصولی شوری

1
2 الشرعية به اتفاق سورها ، نظام اقتصادی سرمایه داری را استناد
3 می کنند.

4
5
6 در مومنین نوع نظام ،
7 نظام سرمایه داری سوسیالیستی از سور سوریل (social)

8 نظام اقتصادی سرمایه داری
9 در تمام اعمال فرد و مبتنی بر فرد در این
10 هر کسی دنبال منافع شخصی است و معتقد است که الذکر کسی دنبال

11 منافع شخصی خود است ، خود به خود منافع عمومی نیز حاصل خواهد شد .
12 ولی اعتقاد به این دیدگاه در عمل ، نتوانست منافع جمع را آمین کند

13
14
15
16
17
18 نظام اقتصادی سوسیالیستی

19
20 در مقابل آن نظام ، مارکس ، نظام اقتصادی سوسیالیستی ، استیخاد واد
21 و در بعضی کشورها اعمال شده منعقد سلسله شد .

22
23
24 مانند سوروی که در عمل این نظام به اول کشور فرد پای شده .
25 مانند کوبا یا کریه شمالی نیز از این نظام استناد می کنند که موفق امروز نبوده
26
27

Arman

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷

چون پایه‌های فلسفی کامله متناهی‌اند ، نوع نظام کامله متناهی داریم
 البته هر چه از رتب به سمت بالا حرکت کنیم ، پایه تا جایی دیده شود . ولی
 در کل ، کامله متناهی‌اند .

اطراف پایه‌های فلسفی چیست ؟

مولانا سعیدی دارد

(پایه اول فلسفی) از کجا آمده ام ؟
 آمدنم به چه می‌شود ؟ (پایه نهم فلسفی)
 له اشارت به توحید و سید اچا بهی

به کجا می‌روم احمد
 نهای وطنم (پایه سوم فلسفی)

پایه اول فلسفی

بی‌لز پایه‌های فلسفی نظام اعتقادی این است که آیا خداوند را عنوان

خالق جهان هستی ، قبول داریم یا نه . آیا جهان را دلای مدعی می‌دانیم

آیا به صورت خدا اعتقاد داریم و اگر قبول داریم که خدا وجود دارد ، خدا را

خلیقه تعریف می‌کنیم ؟

بی‌لز پایه‌های فلسفی نظام‌ها نحوه تدبیر نسبت به خداوند چیست .

با شیخ به سوال مولانا می تواند با شیخ صحبت باشد. یعنی خدایی، پروردگاری

و مورد دلرد که جهان هستی را خلق کرده است

تغایم اعتقادی سر پایه دلدی، اعتقاد به وجود خدا دلدی ولی

تغایم اعتقادی سوبیالستی یا ماتریالیستی، خدایی را قبول ندارد.

و فقط ماده را بعنوان جوهره جهان هستی قبول دلدی

تغایم اقتصاد اسلامی نیز طبیعاً خداوند را قبول دلدی ولی فقط

به عنوان افریدگار قبول دلدی. بلکه بعنوان پروردگار و مربی جهان

نیز به سبب پابندی با د. و معتقد است که این جهان ماده

خانه ای نیست که خانه ای را باز د و بعد آن را تحویل دهد و یا مثل

یک ساعت سازی نیست که ساعتی را باز د و تحویل صتا فنی و خریدار

آن دهد. در سر کاری ندانم با د.

(دیدار الهی)

که بر اساس این دیدگاه که فیلسوفان قدیم مغرب زمین هم اعتقاد داشتند

سین هم دیده، دانش این تفسیر دیدگاه ها را در این فیلسوفان سله دورم،

Arman

۱ (سیدگار الهی)
 ۲ معتقد بودند که خداوند علاوه بر الله خالق جهان است، پرویزگار آن نیز

۳ هست و جهان را بعد از خلق، رها نکرده و مانند بیماری، مستقر به

۴ پرویزش است؟ مخلوقات خود (انسان) است. و این پرویزش بر آن

۵ فریاد در سال پیامبران و از دید سید الله معصومین، انجام می دهد.

۶ دیدگاه سرتاپه تدریجی می گوید خداوند فقط افزیدگار است و پرویزگار

۷ نیست. یعنی معتقد است که خداوند نیکی قوانین در جهان نه سود رفتارهای

۸ انسان قدره داد است که با کمک عقل که خداوند به انسان داد است باید

۹ اول قوانین را در حوزه رفتارهای اجتماعی بناسیم و بندیم به عقل

۱۰ برای ساخت این نظام قوانین، کافی است و نیازی به تعالیم آسمانی

۱۱ نداریم. به عبارت دیگر معتقد است که

۱۲ که خداوند همینا خالق جهان است و عقل به تعلق برای سعادتی بر

۱۳ کافی است و نیازی به پیامبران و تعالیم آسمانی نداریم.
 (روحی)

آیات قرآن نیز ~~در~~ عرف از عقل نیست و صبی بقرآن به عقل و سیروی
از عقل دارد.

مثلاً قاعبتوا یا اولی الالباب (الابواب) آیه ۲ سوره حد

لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب آیه ۱۱۱ سوره یوسف

که همین تالیف عقل، بیان می کند که عقل لازم است ولی کافی نیست.

مثال برای عمل، بالا: همیشه لازم است ولی کافی نیست. در یک شب تاریک

با وجود اینکه همیشه داریم نمی توانیم راه را تشخیص دهیم و نیاز به نور داریم. علاوه بر چشم

به همین دلیل، بقالیم ایمانی نیز همین نقش را دارند و عقل لازم است ولی

برای ساخت مسیر نمی توان صرفاً به آن اتکانه کرد و شروع نیز مانند

نوراطلس به کمک آن می آید و مسیر را برای ما روشن می سازد.

همین موضوع که علم و دانش ما روبرو بپیشرفت هست، دلیل بر این است

که علم و دانش انسان کافی نیست. چه با شروع مطالبی، البته با آن

هنوز علم، نتوانسته پایه و دلیل و فلسفه آن را بیان کند.

Arman

در حالتی که ... ۱۴ اسال پیش ، پیامبر با اعدای او در مساله را لغت بودند.

و در حال این زمان یا علت آن را مفید با اسم یا هفتاد علت آن را

بنا بر این (مثلاً در مورد حملات و حمله)

برای مثال در ... ۱۴ اسال پیش به ما گفته که معنی لغت خود

حداکثر است . در آن زمان کسی نمی توانست علت این مساله را عنوان

کند ولی به تدریج دانش هر به مقدرات لغت خود پی برده

سرچایه دلری ... خدا را قبول دلرد ولی فعلی لغت خالق

سویا استی ... خدا را قبول دلرد

اس علمی ... علاوه بر قبول خدا لغت خالق ، امری دیگر در این است

خست

تا چه دم علمی آمدنم بفرجه بود

این ... را لغت فردو هاجه (امکات فردو هاجه) دلرد .

در واقع در قسمت دوم سوال اصلی این است که ما علتی برای چی به این دنیا

آمده ایم و چگونه باید زندگی کنیم

Arman

1
 2 در این حالت ، نظام های مختلف در این ارتباط به تبعیت فرد در جمع پدید می آید
 3
 4 نظام اقتصادی سوسیالیستی که از روی اجتماع (سوسیالی) می آید ،
 5
 6 اعمال را به جمع می دهد و برای یک فرد هیچ هویتی قابل نسبت
 7
 8 به همین علت در حوزه عمل ، گفته اند ما با مالکیت خصوصی تولید ، مخالفیم
 9
 10 و مالکیت خصوصی را معلوم و ممنوع می دانند و محدود می کنند . اینجا با این ویژگی فکری
 11
 12 سرمایه در علاقه به مالکیت خصوصی دارد به خورد می خورد و نسبت به آن را در صورتی
 13
 14 داریم که مصرف به فروپاشی است .
 15 اعتقادات تعریف نظام
 16 اقتصادی سوسیالیستی
 17
 18 ~~بسیار~~ اعمال را از این بردند ، مالکیت خصوصی افراد تولید را از این بردند در نتیجه
 19
 20 اکثری های فردی برای تولید ، در افراد از این رفقا و رشد اقتصادی با این آمد
 21
 22 و مردم ، فقیر و ضعیف و کم به خوردند از امکانات ~~بسیار~~ بودند (نتیجه)
 23
 24 نقطه مقابل رابطه اعمال جمع ، رابطه اعمال فرد را در آن
 25
 26 نظام اقتصادی سرمایه داری به اعمال فرد اعتقاد دارد .
 27
 28 به دلیل اعتقاد به این نظریه ، رشد اقتصادی اندک این رفقا ولی باعث بوجود

اصل اختلاف طبقاتی نسبی در کشور است چون به منافع اجتماعی
 چهارده می رسد و این سفار صریح است که اگر هدفی در برابر منفی باشد ،
 دنبال منافع اجتماعی هم خواهد بود .

در عمل دیدیم که بسیاری لغز شخصی ، تا صحن منافع اجتماعی را به دنبال ندانست
 و شاهد اختلاف طبقاتی شد به این کشورها بودیم و باعث شد که به این
 نتیجه برسند که دولت هم باید در اقتصاد دخالت کند و نباید آزادی های
 اقتصادی بی حد و مصلحت باشد و جاهایی که باید با سیاست بودیم می شود و یا
~~بعضی~~ بعضی خصوصی نمی تواند فعالیت هایی را انجام دهد ، دولت باید وارد
 عمل شود .

خلاصه اینکه نظام اقتصادی سرمایه داری دخالت دولت در اقتصاد را با تغییر
 و از بین بردن (به خلاف سفار صلی خود) پذیرفت .

دیدیم هر شخصی در دولت مدنی در احکام فرد و احکام جامعه (شماره ۲ با هم)
 عمل دیدیم ، نظام اقتصادی اسلامی است .

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷

تقریباً نظام امتقاری روی فلسفی معتقد به اعمال فرد و جمع بود

~ ~ ~ سرمای دلدی ~ ~ فرد

ولی نظام امتقاری اسلام (پایه فلسفی است) معتقد به اعمال فرد و جمع بود

همزمان است - یعنی هم مالکیت خصوصی را از ابتدا به رسمیت شناخته و

هم مالکیت عمومی و دولتی را (برخلاف نظام قبلی)

~~تقریباً نظام امتقاری~~ پایه فلسفی سوم

پایه فلسفی سوم بعد از اخلاق و تعالیه به عنوان بودله مورد است

(۱) تعریفی که از خدا دارد

(۲) تدریس نسبت به اعمال فرد و جامعه

(۳) تدریس به اخلاق

در این نظام پایه فلسفی

وجود دارد

نظام روی فلسفی چون خدا را قبول ندارد پس طبیعتاً اخلاق را نیز قبول

ندارد و می گویند که صدک یا مال زهدی است و صدق یعنی پول بدین

نظام امتقاری سرمای دلدی چون خدا را قبول ندارد لرا اغلب مسیحی هستند

طبیعتاً اخلاق را نیز قبول دارند ~~و~~ ولی حساب بسیار از اعمال

Arman

افضل خدايي داند و به نوعي اعلام مي کند که سعادت ما در همین دنيا و لذت هر چه

بسيتر در همین دنيا مي داند و سعادت را در بهره مندي هر چه بيسترنه موهبت ها

دنيوي مي داند (با وجود آنکه افضل را قبول دلدارند)

در دنيا. نظام اقتصادي اسلام، تعريفی که از افضل و هو دلدرد انديزناست

که علاوه بر قبول دنيا و اعماله داشتن دنيا (همانند بود دنيا و قتل)

برای افضل نیز اعماله قائل است.

در بود دنيا و قتل هر دو برای دنيا اعماله قائل هستند ولی فقط برای

از انجا افضل را قبول دلدارند

دليل آيات الله نظام اقتصادي اسلامي، برای افضل نیز اعماله قائل

است اين حديثي يار: الدنيا مزرعة للآخره (رسول اکرم صه)

هر چه اين دنيا بکاريد، به افضل درواست مي کند يعني تبعه اعمال خود را در آن

دنيا خواهد ديد.

از اين دنيا و دنيا، مددگار، پوئين نسبت بلکه از پوئين به در اصدن است

Arman

۳ مرد یومین نسبت لله از پولست به در اصل است (این است... جواری اموی)

۴ نماز و ولادت دنیای نزدیک تری می شود که همیشه است و این دنیا دلدرد

۶ زمینهای تحقق اول دنیا را با اعمال و رفتارمان فراهم می سازد.

۸ البته در کنار اعمال دنیا (که اول نظام به اعمال دنیا معتقد هستند)

۱۰ و اعمال دنیا و آخرت (که نظام اقتصادی اسلام به آن باالین است)

۱۲ بد دنیا به افزایش اهمیت دلدردم که فقط اعمال آخرت را قبول دلدردند.

۱۴ حقیقت آنست که نظام هایی که تاکنون نام بردیم به این دیدگاه اعتقاد دلدردند

۱۶ و بسیاری فرقه های ضرافی و ضلاله بعضی اعتقاد دلدردند.

۱۸ مثلا در مسیحیت ، رهبانیت (تارک دنیا شدن) و جود دلدردند

۲۰ به طبیعت این تقریب ، دنیا را رها می کنند تا آخرت خوبی داشته باشند

۲۱ و معتقد هستند که اگر از موهبت های دنیوی استفاده کنند ، آخرت را از دست

۲۴ خواهد داد پس باید تمام این موهبت های دنیا را ترک کنی تا آخرت خوبی

داشته باشی

در واقع در این تعبیر ، دنیا را قدرت را همانند دو کفه ترازو می دانند که نسبت به
توازن یکی ، سنگینی دیگری را در پی خواهد داشت .

در حالی که دیدگاه تعبیریه اعتقاد استقام ، دنیا را معبر رسیدن به آخرت
می دانند . و می گوید اگر شما در همین استقامه از موهبت های الهی در دنیا ،
بعضی به آخرت هم دارم باقی ، به سعادت خدا می رسد .

در این دیدگاه ، نجات به دنیا ، نجات صفتی نسبت بلکه وسیله رسیدن به
سعادت اخروی تعریف می کنند .

تعریف زهد :

زهد ، ترک ^{مادی} لذت ها است . یعنی از موهبت های خداوند خود را محروم

کنی . این یک تعریف صفتی از زهد است نه ، به این معنی این تعریف را

دارند . در دین اسلام نیز برخی افراد بوده اند که دنیا را بر خود حرام می دانستند

و پیامبر در همان زمان با این تفکر مخالفت می کردند .

مانند همان معنی که در لغت مسعودی آمده بود و فقط عبارت می کرد و

۱
۲ هیچ کاره ندی برای خود و خانواده و جامعه انجام نمی داد.

۳
۴ فلسفه مردم آن سخن را آنال زاهدی تلقی کردند، پیامبر فرمودند که

۵
۶ اینگونه نیست و پیامبر این تفکر را غلط دانستند. (زهد صفتی)

۷
۸ زهد واقعی ترک تعلقات است نه ترک تمناات

۹
۱۰ یعنی الله ما یعلق خاطر بنا به دارته باسی نه عنین الله می تواند بهترین امکانات

۱۱
۱۲ مادی و دنیوی بر خود طربا رسد. دل بستنی است که کار دست آدم می دهد و اگر نه

۱۳
۱۴ خود راستن و بهره مندی از آن نه تنها عیبی ندارد بلکه کامله هم توصیف شده است.

۱۵
۱۶ ولعته شده است که این نیت ها را خدا برای ما اقتدره است و اگر خود را ازین

۱۷
۱۸ نیت ها محروم کنیم و داریم استیاده می کنیم.

۱۹
۲۰ ولی استفاده از این موهبت ها باید در حال چاره جویی باشد نه مسعفی

۲۱
۲۲ رسد است. مثلا استیاده و لذت بردن از دارته باسی به تعانه الله داریم

۲۳
۲۴ استیاده می کنیم)

۲۵
۲۶ خلاصه باید فلسفی رسوم این سه نظام، بحث اعتقادیه اضرب است.

که ۲ نظام سوسیالیستی و سرمایه داری ، اعتقاد به اصلیات دنیا دانه

ولی در دیگر نظام اعتقادی اسلام ، اصلیات دنیا و اصلیات آخرت را قبول دارند.

انچه با کمون گفته شد است :

- مفهوم نظام

- انواع نظام

- مفهوم نظام رفتاری

- انواع نظام رفتاری

- مفهوم نظام اعتقادی

- انواع نظام اعتقادی

- پایه های رفتاری نظام های اعتقادی

چون نظام ها ، برای پایه های متفاوتی هستند ، با وجود ایند به برخی مواقع

استقامتی (در ساقه و برگ) با هم دارند ولی نمی توان گفت که این نظام ها

یکی هستند ، بلکه همراهند

Arman

علم اعتقاد

فرضیه علم، تحلیل روابط بین پدیده‌ها و متغیرهاست. (تحلیل وضع موجود)

در واقع، روابط بین پدیده‌ها و متغیرها را تبیین و تحلیل می‌کند

در مسائل اجتماعی، معنوی بنا بر علم اجتماعی داریم. که این علم اجتماعی در

بسیار ~~نظام‌هایی~~ که تعریف شده‌اند معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

در واقع، اول در نظام اعتقادی، فعالیت‌ها آنقدر که باید باشند

سازماندهی می‌شوند (مهرپا آن معنوی می‌شود) و بعد وقتی نظام اعتقادی

تحقق یافت، علم اعتقاد در ~~بسیار~~ آن نظام معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

بسیار ~~طبیقی~~ اگر یک نظام اعتقادی پیاده نشده باشد نمی‌تواند

علم اعتقاد در آن نظام صرفی نبینیم.

که علم اعتقاد در ~~بسیار~~ نظام اعتقادی می‌تواند ~~معنا~~

مفهوم پیدا کند. در واقع بعد از آنکه نظام اعتقادی تحقق پیدا کرد، (آن

باید و نباید‌ها، ~~مهرپا~~ ~~ها~~، ~~در~~ ~~مکان~~) وقتی پیاده شد، حال می‌توانیم به

تحلیل ارتباط بین دیدگاه‌های اعتقادی و متغیرهای اعتقادی سردلزمیم که بتوانیم
علم اعتقادی تولید

رابطه

تعریف اول: علم اعتقاد (بی‌لذ علم اجتماعی است که به بررسی فعالیت‌های فکری

و ذهنی مربوط به تولید، توزیع و مصرف می‌پردازد

تعریف دوم: علم اعتقاد علم شناخت دیدگاه‌های اعتقادی و آگاهی از روابط

بین این دیدگاه‌هاست.

تعریف سوم: علم اعتقاد، علم بررسی روش‌های تخصیص بهینه منابع کمیاب

(رفیق‌نژاد) فیزیکی و انسانی بین لذت‌های رفیق اعتقادی است به گونه‌ای که

هدف بهینه معنایی حاصل شود. (قدم به قدم تقریب می‌زنیم که یعنی چی)

علم تخصیص بهینه منابع کمیاب

در اعتقاد، با منابع سر و کار داریم که در عین تنوع تعداد، محدود هستند.

یعنی یک فرد هر چند که میلیون‌ها میلیارد در سال، بالاخره ثروت و درآمد

Arman

ما محدود است .

وقت به سوال یک منبع مهم ، محدود به مسئله ۲۴ ساعت است .

این منابع محدود ، باید بصورت بهینه اختصاص داد شود

سین هزینه های وقت اقتصادی

ما می توانیم مسئله وقت را به اشکال مختلف تخصیص دهیم . مسئله با جوانان

در حال لغت و شنیدن با هم یا مسئله در پارک در حال قدم زدن .

سین هزینه های مختلفی برای وقت داریم . حدال باید بر اساس ترجیحات

مختلف افراد ، بصورت بهینه ، اختصاص دهیم .

رفقار یک فرد ساعت با فرد غیر ساعت در هنگام خرید کتونی ، مسئله دیگر

متفاوت است . مسئله فرد ساعت ، ممکن است همیشه وقت با کمتر

سبزی خوردن با یک کتونی بخرد . ترجیح می دهد اول زمان

سبزی پارک را صرف کار کردن به الله یا عمل کار خود بگذراند

یا مسئله ترجیح می دهد لباس های خود را بدهد و کتونی با آن خود را

آن را آموزند این افراد بواسطه تصمیماتی که دارند و این است برهان
 برای آن به سبب عقلی که درین بلد، رفتارهای آن برای تعیین وقتان
 متعارف است. هم این افراد نیز بصورت متناسب، بصورت عقلایی رفتار
 میکنند یعنی اول کسی که سبزی پاک کرده می خورد، از نظر خودش رفتارش
 عقلایی است و اول کسی که وقتش را صرف کارهای مملکتی می کند نیز
 وقتش از نظر خودش تنظیم کرده و از نظر خودش دلد استغاده بجهت ارضای
 انجام می دهد.

بین لذت های قبیله دارم. چون درآمد محدود است، باید بصورت بهینه
 بین لذت های قبیله ای که می خواهند درآمد ما به آنها تعلق بگیرد، احتیاط درهم
 کالاها و خدمات زیادی وجود دارند که توانایی خرید آن را داریم ولی قابل

به خرید آن را نداریم. و بدین

در نهایت این که درآمد، بین خواسته های متغیر و محدودی که برای افراد
 یک خانواده و باید سخن وجود دارد، تعیین می کند لذت های که هنر بهینه

مسئله که حداقل در این صورتها حاصل شخص است فراهم شود.

در فرد، وقتش را به کارهای اجتماعی می‌دهد و با سرمایه خود را به کارهای غیر

می‌کند که در صورتی (که هدف بهینه اش است) حداقل سود.

این مثال‌ها، در مورد تولید کنندگان نیز صدق می‌کند.

تولید کننده نیز، هدف بهینه اش، حداقل در این صورت است

و صنایع محدودی دارد. مانند نیروی کار و سایر منابعی که دارد.

تولید کننده، نیروی کار و سرمایه خود را با استفاده از دانش فنی، کارهای

استفاده می‌کند که محصول (میزان محصولی) بدست آید که (حداقل سود)

هدف بهینه خود را فراهم سازد.

صنایع محدود و یکبار خود را در صورت بهینه بین گزینه‌های مختلف کارهای

تخصصی می‌دهم که به هدف بهینه خود برسیم.

این هدف بهینه برای یک مصرف کننده، حداقل در صورتی است

که در اقتصاد به آن مطلوبیت می‌گویند. و برای تولید کننده حداقل سود است

Arman

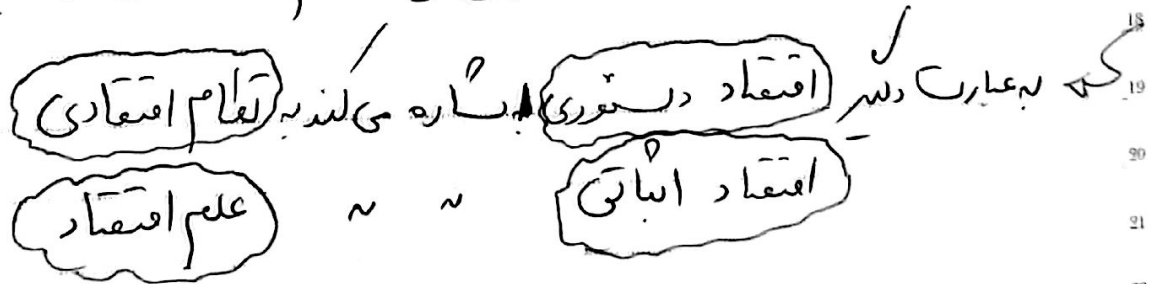
تعمیر بینی اقتصاد - شماره ۱ - اقتصاد دوتوری
 له شماره ۲ - اقتصاد انبائی

اقتصاد انبائی :

ی
 به مطالعه آنفیه که هست می پردازند در واقع در مورد ارتباط بین تولیدها
 اقتصادی صحبت می کنند (ارتباط بین هست و شیخ و ارتباط بین تولید و متغیرهاست)
 اقتصاد دوتوری :

مطالعه آنفیه که بالذات می پردازند یعنی در واقع، بخش بالیها و نیایدهاست

این بالیها و نیایدها می تواند در مجموع یک نظام اقتصادی را بسازد



علم اعتقاد

کسی که تقسیم بندی علم اعتقاد ، خرد و کلان است .

اعتقاد خرد :

این قانون مندی ها را در سطح خرد می پردازد

یعنی به بررسی و تجزیه تحلیل رفتار ^{اعتقادی} ~~و~~ ^{تقسیم بندی} ~~و~~ ^{فردی} و انفرادی می پردازد

مثلاً تجزیه تحلیل رفتار اعتقادی خانواده ها ، یا بنفاهما یا صاحبان

عوامل تولید می پردازد .

که کار اعتقاد خرد این است که بیان کند من مصرف کننده یا من خانواده

مثلاً نه آمد محمد خودم را ملینه بن گذرینه های رقیب اعتقادی می دهم و چگونه

رفتار می کنم ، رفتار خاتم از تحقیق در تمام حد اکثر بود

یا مثلاً تولید کننده چگونه عوامل تولید را به کار می گیرد تا به سطحی از محصول برسد

که سورس حد اکثر بود

یا مثلاً نیروی کار چگونه و کس را این گذرینه های رقیب تحقیق می دهد که

Arman

رسالت خاطر خود را حدائق کند

یا ملة سعفی که ۲۳ غله است جلوه وقت خود این حدیث نقل

کفین می دهد

یا ملة سعفی که درین سفر است جلوه وقت خود این ۲ لرنه

کار و فراغت تفصیل می دهد

یا ملة جلوه وقت خود این کار درین برای است نداده و فراغت برای

کس رسالت خاطر تفصیل می دهد که لغات اون ترجمه است

ما آمین و رسالت خاطر جان به حدائق برسد

همه این سامت، صاحب امتیاز دهر است

صلا در امتیاز دهر، نه معدد بازره کالا و خدمات صحبت می کنیم

مثل بازره سب زمینی، لوازم خانگی، خودرو

افتقاد طلاق

به ارتباط بین بدیده ها و متغیرهای کلی می پردازیم و روابط بین اجزای منفرد
 ساختار وضع موجود، پیش بینی آینده و اتخاذ تصمیمات و سیاست های

مناسب در صورت لزوم می پردازیم.

در افتقاد طلاق، با متغیرهای طلاق و در افتقاد خرید با متغیرهای

خرید سروکار داریم. (بازگشتان بهتران می دهیم)

مثلاً قیمت یک کالا ← متغیر افتقاد خرید

در افتقاد طلاق با سطح عمومی قیمت ها، سروکار داریم.

در افتقاد خرید با افزایش یا کاهش قیمت یک کالا سروکار داریم

در افتقاد طلاق وقتی سطح عمومی قیمت ها تغییر کند و مثلاً، پادشاه

حالا با افزایش سروکار داریم.

لذا هم یک متغیر افتقاد طلاق است.

عقد اعتبار خرید با درامد حاصل از سروکار داریم

در اعتبار طولانی با درامد ملی سروکار داریم

مجموع درآمد سبب سود ملی

سبب معنی، ماشین، ابزار

در اعتبار خرید با تولید یک کالا سروکار داریم

طولانی با تولید ملی سروکار داریم

که ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده

خرید مثلا مقدر مصرف یا مقدر تقاضا برای یک کالا یا مقدر عرضه یک کالا

طولانی با واژه (فخارج مصرفی) سروکار داریم (نیز کل کالاها و خدمات خانوارها)

تعزیه تکمیل

سبب در اعتبار خرید به بررسی و ~~فوق~~ اعتبار اقتصادی واحد های تقسیم لبرری فزری

عوامل تولید

عمل خاندان، بنیان و مصالح ~~کالا~~ می پردازیم در مقبره های ما، مقبره های خرید

اعتبار طولانی به بررسی و تعزیه و تکمیل مقبره های طولانی می پردازیم در واقع

بین آن دیده ها را توضیح می دهیم که وضع موجود را اساسی می کنیم و سپس لبرری

Arman

می کنیم و در صورت لزوم در سطح کلان سیاست که لبرری انجام می دهیم

اعتقاد خرد

- = بررسی و تفریب تحلیل رفتار اعتقادی واحدهای تقسیم‌گسری فردی
- = مانند خانواده، نژاد، صامیان عوامل تولید
- = متغیرهای با، متغیرهای خرد هستند

اعتقاد کلان

- بررسی و تفریب تحلیل ^{ولایت‌نظامین} پدیده‌ها و متغیرهای کلان می‌پردازیم
- روابط بین آن پدیده‌ها را توضیح می‌دهیم
- وضع موجود را شناسایی می‌کنیم
- پیش‌بینی می‌کنیم
- در صورت لزوم در سطح کلان سیاست‌گذاری انجام می‌دهیم

مسئله اقتباسی مهم‌ترین متغیر تفریبی است -
 متغیر کلان متغیر کلان
 از بنا و بین ۲ متغیر کلان

ویرجالی :

کالا : شی که برای تأمین و یا رفع نیازی از خواسته ها و مطالبات انسان

مورد استناد قدرتی می گنجد.

قدماح : ~~فعالیتی~~ فعالیتی است که بر طرف کننده بعضی از خواسته ها

و مطالبات انسان است.

تفاوت : خدمات قابل انبار کردن نیست و لحظه ای که تولید و عرضه می شود

در همان لحظه مصرف می شود. (برخلاف کالا)

اعتمادی ← از ویژگی مهمی برخوردارند و برای اعتماد از آن باید فعالیت
اعتمادی انجام داد. کالا

(تقسیم گوی) ← غیر اعتمادی ← به وفور وجود دارند و کمابیش هستند مانند هوا

یا رب یا مال

کالای اعتمادی به سه دسته تقسیم می شوند

① کالای واسطه ای

② کالای نهایی